

تاسیس کتابفروشی  
جدید حافظ

۱۳۷۹

دریافت مجوز  
نشر حافظ

۱۳۶۹

حضور در  
نمایشگاه کتاب  
دهلی در هند

۱۳۶۴

درگذشت پدر

۱۳۵۸

تولد دومین فرزند  
(حسن آقا)

۱۳۵۶

تولد اولین فرزند  
(فریده خانم)

۱۳۵۲

ازدواج با  
«فاطمه اعلایینی»

۱۳۵۲

خرید مغازه و تاسیس  
فروشگاه نشر  
بین‌المللی حافظ

۱۳۵۰

س؛ مدیر انتشارات بین‌المللی حافظ

# باد؛ کتابفروشی در «دنیا»

دست به کار شود و تلاش کرد تعدادی کتاب شبیه محتوای مجلات و کتاب‌های خارجی تولید کند. ابتدا خودآموزهای خیاطی، بافتنی و قلاب‌بافی را چاپ کرد و با استقبال مردم روبه‌رو شد. پس از آن تلاش کرد برای ارتقای کیفیت کار خود سراغ کتاب و مجلات خارجی که با فرهنگ ایرانی منطبق بود، برود. او درباره آن روزها می‌گوید: «با کمی تحقیق متوجه شدم سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی یا در کشورهای دیگر نمایشگاه برگزار می‌کند یا در تمام نمایشگاه‌های خارجی حضور دارد. با مدیران این مجموعه صحبت کردم و قرار شد با بخشی از کتاب‌های مان به نمایشگاه دوسالانه کتاب دهلی در هند بروم.

## از توکیو تا فرانکفورت

در آنجا متوجه شدم در این کشور کرسی زبان فارسی وجود دارد و هندی‌ها علاقه زیادی به فرهنگ ایرانی دارند. دو کتاب از هند را هم به ایران آوردم و ترجمه کردم. دو سال بعد بار دیگر برای حضور در نمایشگاه دهلی درخواست دادم، همان زمان کتاب‌های ناشران دیگر در حوزه ادبیات و ایران‌شناسی را با خودم بردم و حتی با دانشگاه دهلی برای تبادل اطلاعات علمی، ارتباط برقرار کردم و تعاملات خوبی برقرار شد.»



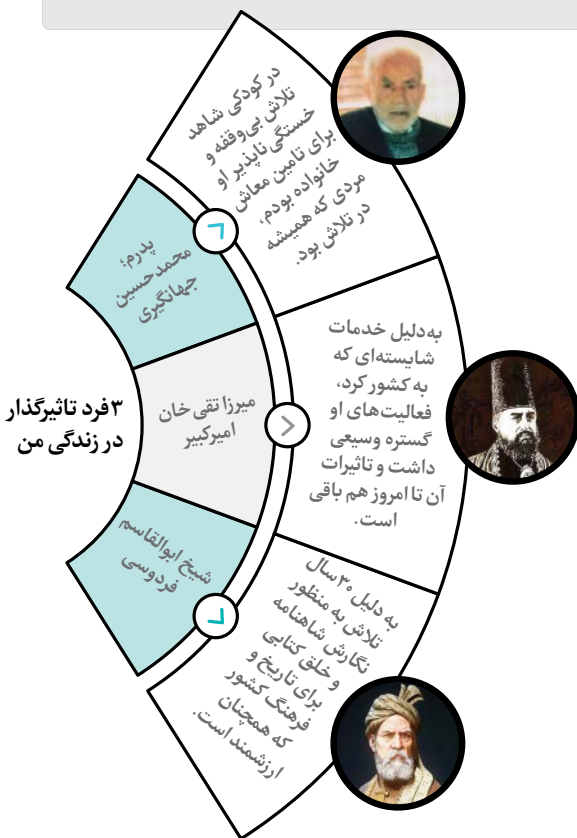
سفرهای خارجی همیشه دستاوردها و ماجراهای سخت و آسان خود را داشت اما عباس جهانگیری که حالا تجربیات خوبی به دست آورده بود با حضور در سایر نمایشگاه‌های کتاب معتبر مثل توکیو، شارجه، بلاروس، استانبول، لندن، مسکو، پکن، فرانکفورت و... به تعاملات و ارتباطات گسترده‌ای در سطح بین‌الملل دست پیدا کرده بود.

## عزاداری برای حاج قاسم در هند

جهانگیری در صحبت‌هایش از ۱۲ دی ۹۸ به عنوان یکی از تلخ‌ترین روزهای زندگی‌اش نام می‌برد، وقتی می‌خواهد به شرح واقعه بپردازد، بغض می‌کند و می‌گوید: «آخرین سفر من به هند با اتفاق تلخی همراه بود، ۱۲ دی با انتشار خبر شهادت سردار بزرگ اسلام، حاج قاسم سلیمانی، همه مادر غرقه ناراحت بودیم. سریع ابتکار عمل به خرج دادیم و عکس‌ها و تصاویری از حاج قاسم را روی دیوار غرفه نصب کردیم. این شهادت نشان داد این مرد بزرگ چقدر محبوب است و مردم هند چقدر ایشان را دوست دارند. به یاد دارم وقتی عکس سردار را در غرفه قرار دادیم، بسیاری از جوانان هندی با عکس او سلفی می‌گرفتند. حتی مراسم عزاداری گوناگونی در بسیاری از تکایا و مراکز فرهنگی هند برگزار شد و از تیم فرهنگی ایران و نشر حافظ برای حضور در این برنامه دعوت می‌کردند.»

## جنگ کتاب عروسک‌سازی با افسردگی

برخی کتاب‌های انتشارات بین‌المللی حافظ با اقبال بسیار خوبی از سوی مخاطبان روبه‌رو شدند، آثاری مثل «آموزش بافتنی» که در شمارگان ۵۰۰ نسخه، بیش از ۳۰ بار تجدید چاپ شدند و مخاطب‌های واقعی خود را داشتند، انتشار ۵۰ عنوان کتاب آموزشی «قلاب‌بافی» و ۳۰ عنوان آموزش «بافتنی» برخی از کارهای پرمخاطب این انتشارات است. جهانگیری به ذکر خاطره‌ای هم می‌پردازد و می‌گوید: «حدود هشت سال قبل، در مجلسی نشسته بودم. آقای جلا آمد و گفت من از شما خیلی ممنون هستم، شما زندگی خواهر من را نجات دادید. با تعجب چستی ماجرا را از او سوال کردم. آن مرد گفت خواهرش مدت زیادی دچار افسردگی بوده، یکی از کتاب‌های عروسک‌سازی ما را برایش می‌خرند و او کم‌کم چند عروسک درست کرد و به آن علاقه‌مند شد و حالا خواهرم، صاحب یک آموزشگاه عروسک‌سازی شده و تعداد زیادی هنرجو دارد. این موضوع من را خیلی خوشحال کرد و خدا را به خاطر راهی که انتخاب کردم و در آن هستم، شکر کردم.»



## و آرزویی که محقق شد

کتابفروشان، این روزها حال خوبی ندارند، شرایط اقتصادی بر کسب و کار آنها هم تأثیر داشته‌است. کتابفروشی حافظ با این‌که در منطقه ۱۳ کم‌نظیر است اما پر رفت و آمد نیست. عباس جهانگیری وقتی به نمایشگاه‌های خارجی می‌رفت، بعد از پایان ساعت نمایشگاه‌ها، سراغ کتابفروشی‌های هر شهر می‌رفت تا از نزدیک با فضای آنها آشنا شود و بالاخره به آرزویش رسید. خودش در این باره می‌گوید: «کتابفروشی نه فقط شغل بود بلکه همیشه بزرگ‌ترین علاقه من بوده و خواهد بود. در بازدیدم کتابفروشی‌های وسیع و چند طبقه‌ای را می‌دیدم که هر طبقه و بخش بر اساس موضوعی خاص دسته‌بندی شده بود. ایجاد یک کتابفروشی بزرگ و مجهز که مخاطبان بتوانند در آن قدم بزنند و کتاب مورد علاقه‌شان را جست‌وجو کنند یکی از آرزوهایم بود. سال ۷۸ یک قطعه زمین در خیابان دماوند، بین ایستگاه سیلان و وحیدیه خریدم و با رویای یک مجموعه فرهنگی کارم را شروع کردم و با همه مشکلاتی که پیش رویم بود، توانستم سال ۷۹ کتابفروشی حافظ را راه‌اندازی کنم. هرچند این کتابفروشی این روزها مثل سابق رونق ندارد و حال و روزش خیلی خوب نیست، من اما با همه عشقم به کتاب، آن را سرپا نگه داشته‌ام.»

